

عنوان مقاله:

گذار از فرد کنشگر به شهروندی عاملیتی تمهیدی برای نارسایی مبانی انسانی شناسی رهیافت قابلیت «آمارتیا سن»

محل انتشار:

دو فصلنامه پژوهش سیاست نظری، دوره 12، شماره 23 (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسندگان:

عباس منوچهری

سعید نریمان

خلاصه مقاله:

رهیافت قابلیت هر چند در نقد مبانی هنجاری و اخلاقی اقتصاد، به ویژه اقتصاد رفاه و توسعه از دهه ۸۰ میلادی توسط «آمارتیا سن» به حوزه های دانشگاهی راه یافت، با سرعت زیادی توانست در بیشتر حوزه های علوم انسانی بسط قابل توجهی بیابد. یکی از مهم ترین دغدغه های این رهیافت، به حاشیه رفتن انسان از محور توسعه و رفاه بوده است و نقد عمده ای که این رهیافت بر دیگر رویکردها وارد می کرد، در نظر گرفتن انسان به مثابه موجودی منفعل در آنها بوده است. به عقیده برخی از منتقدان، این رهیافت هر چند تلاش کرد مفهوم جدیدی از انسان در حوزه اقتصاد ارائه دهد، نتوانست از انسان اقتصادی جریان رایج علم اقتصاد پا فراتر نهد و تنها توانسته است مفهومی انسانی تر از توسعه ارائه دهد، نه توسعه برای انسان ها. عمده نقدهایی که بر مبانی انسان شناسی این رهیافت وارد شده است، شامل سه نقد نارسایی مفهوم انسان، پیشاسیاسی - اجتماعی بودن و در نهایت فردگرایی روش شناختی است. در این مقاله سعی می شود ضمن پاسخ به این سه نقد مبتنی بر تعریف عاملیت که آمارتیا سن در رهیافت خود آن را بسط داده است، با گذار از عاملیت کنشگر به شهروندی عاملیتی، تمهیدی نظری - فلسفی برای نارسایی مبانی انسان شناسی رهیافت قابلیت تدوین گردد.

کلمات کلیدی:

رهیافت قابلیت آمارتیا سن انسان شناسی شهروندی و عاملیت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1886431>

